نگاه

برای «پدر علم حقوق ایران»

سیدمصطفی محقق‌داماد
استاد حقوق دانشگاه شهیدبهشتی

● گر نادره معدوم شود هیچ عجب نیست
کز کاخ هنر نادره کاران همه رفتند
افسوس که افسانه‌سرایان همه خفتند
اندوه که اندوه‌گساران همه رفتند
فریاد که گنجینه طرازان معانی
گنجینه نهادند به ماران همه رفتند
یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران
تنها به قفس ماند و هزاران همه رفتند
خون بار «بهار» از مژه در فرقت احباب
کز پیش تو چون ابر بهاران همه رفتند

شادروان «دکترناصر کاتوزیان» شخصیتی است که آثار علمی او، پشتوانه ادبیات حقوقی ایران است. شاید کمتر مقاله‌ای به چشم بخورد که از ارجاعات مکرر به آثار ایشان خالی باشد. ایشان دارای ذهنی وقاد، نقاد و تحلیلگر بودند. در عرصه حقوقی، مدافع اصول و موازین حقوق اسلامی بودند. باوجود آنکه استاد حقوق مدنی محسوب می‌شدند، دانش حقوقی ایشان اختصاص به یک‌حوزه خاص نداشت.

ایشان علاوه بر آثار زیاد در حقوق مدنی، در حقوق عمومی، در ادله اثبات و از همه بالاتر سه‌مجلد در فلسفه حقوق تالیف کرده‌اند که به‌نظر اینجانب از آثار مستطاب در این رشته شناخته می‌شود و در زمان تالیف به زبان فارسی از مهم‌ترین کتاب‌های تالیفی ایشان بوده است. اینجانب این ضایعه اسفناک را اولا به خانواده محترم، بازماندگان داغدار و بستگان سوگوار ایشان تسلیت عرض می‌کنم و برای همه آنان صبر جمیل و اجر جزیل خواهانم و سپس به جامعه حقوقی ایران، مرگ این مرد حقوق ایران را که دغدغه اصلی او حقوق ملت ایران بود تعالی در رضوان حق متعال آرزو می‌کنم. تالیفات استاد در حوزه‌های مختلف و مقالات ایشان، در اختیار علاقه‌مندان به علم حقوق قرار دارد. امیدوارم استادان پرتلاش این دانش، زنده باشند و دانشجویان تربیت‌شده دامان این استاد هرگز او را فراموش نکنند و در تعالی این دانش از هرگونه تلاش کوتاهی نکنند.

کاتوزیان؛ آنگونه که بود

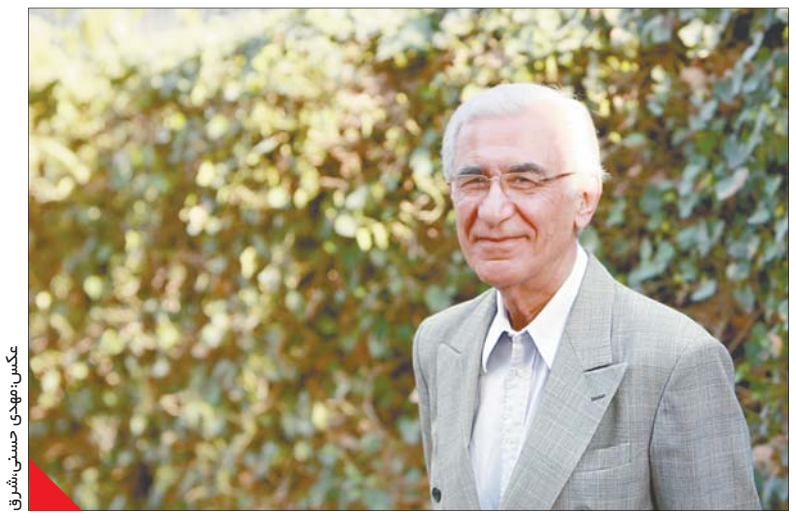

عکس: مهدی حسنی/شرق

ادامه از صفحه اول

اشکال رشته حقوق در روزهای نخست تعلیم یا تدریس این است که دانشجو هیچ سابقه ذهنی و گذشته‌ای از رشته خود ندارد و استاد نیز با گروهی خالی‌الذهن از آنچه باید به دانشجو بیاموزد، روبه‌رو است. «مقدمه علم حقوق» شروع به صحبت و از کلمه «حق» شروع کرد. این اولین روز درس در دانشگاه و رشته دلخواهم بود و از آن‌روز تا امروز و تا فردا، با فکر و اندیشه و نوگرایی این نام، روز را آغاز می‌کنم و در طول روز بی‌اغراق ده‌ها بار این نام قابل احترام جامعه حقوقی بر زبانم جاری می‌شود. او دکتر امیرناصر کاتوزیان بود؛ مردی که در دوم اردیبهشت سال ۱۳۱۰ در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد، پدرش وکیل دادگستری بود و نام پنجمین پسر خود را امیرناصر گذاشت؛ چهاربرادر به نام‌های رضا، اصغر، محمد و عباس که این آخری چهره‌نگاری بود که به‌تازگی چهره در نقاب خاک کشید و خواهری که «سپیده تا شام» وی منبعی است بی‌دروغ و بی‌نقاب از شکل‌گیری انقلاب و حکایت پرغصه نسلی است که در کوره انقلاب آبدیده شد. شش‌سال بعد وارد دبستان اقبال شد در محیطی بزرگ‌تر از خانه و در کنار هوش و استعداد خدادادی به ورزش هم روی آورد. در دوره دبیرستان عضو تیم ورزشی دبیرستان بود که به‌همراه دیگر اعضای تیم مقام اول را در بین دبیرستان‌ها به دست آورد. سال ۱۳۲۸ دیپلم ادبی را از مدرسه علمیه با رتبه عالی و دریافت مدال پشت‌سر گذاشت و در همان سال وارد دانشکده حقوق و چهارسال بعد با رتبه اول از دانشکده حقوق فارغ‌التحصیل شد؛ رتبه‌ای که با آن می‌توانست به خارج از کشور برود و با هزینه دولت دکترا بگیرد. اما تعهدات خانوادگی او را برآن داشت که از سفر علمی فرنگ منصرف شود تا دادگستری را از فیض وجود خود بهره‌مند کند؛ درختی که با آن در چهارم بهمن سال ۱۳۳۱ با رتبه چهار قضایی در دادگستری مشهد با امضای وزیر دادگستری دولت دکترمحمدمصدق –لطفی- روزی پرشاخ و برگ‌ترین درخت حقوق ایران شد که هم دانشگاه و هم دادگستری و هم کانون وکلا و در کل جامعه حقوقی را زیرسایه خود بگیرد. او از مشهد به اراک رفت و همزمان در ایران ادامه تحصیل داد و دوره دکترا را در سال ۱۳۳۴ «سالی که من به دنیا آمدم» آغاز کرد. حاصل دوره دکترا، کتاب تا همیشه تازه و نوی «وصیت» است که جزو کتب درسی رشته حقوق است. از تقریرنویس دادگاه شهرستان مشهد با حقوق ماهی ۱۳۸ تومان و ۲۷ تومان فوق‌العاده اشتغال خارج از مرکز که در تاریخ ۱۳۳۱/۱۰/۲۴ وارد دنیای قضاوت شد تا ساعت پنج‌بعدازظهر روز چهارشنبه دهم آذر سال ۱۳۳۸ که از رساله دکترای خود با نمره بسیارخوب دفاع کرد، اولین رساله دکترای حقوق در ایران، هیات ژوری دفاع رساله عبارت بودند از: ۱) دکترسیدحسن امامی، استاد راهنما ۲) دکتر موسی عمید، استاد مشاور و آیت‌الله محمد سنگلجی استاد مشاور، با این استادان، نخستین دکترای رشته حقوق از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. سال ۱۳۳۴ دکتر کاتوزیان به تهران منتقل و در دادگاه بخش تهران به‌عنوان دادرس مشغول به کار شد و یک‌سال بعد به ریاست شعبه۴ دادگاه بخش تهران منصوب شد و تا فروردین‌ماه سال ۱۳۳۹ درحالی که تنها ۲۹ سال داشت پس از هفت‌سال سابقه قضایی به دادگاه شهرستان رفت و ریاست شعبه۲۷ دادگاه شهرستان را برعهده گرفت. شاید بتوان گفت جوان‌ترین قاضی دادگاه شهرستان، تا اینکه همین قاضی جوان در ۱۵ فروردین ۱۳۴۱ به مستشاری دادگاه استان منصوب شد و شعبه۱۳ دادگاه استان با حضور قاضی جوانی که نخستین دکترای حقوق فارغ‌التحصیل از دانشگاه تهران بود تشکیل شد؛ دکتر جوانی که دیگر به‌نام نامی «دکتر کاتوزیان» در جامعه حقوقی نام و یادی داشت. دادگستری بعد از دکتر لطفی او را برنمی‌تافت و باید جلوی رشد این جوان پرانرژی و مستقل و صاحبنظر گرفته می‌شد و در تاریخ ۱۳۴۱/۷/۹ با چنین ابلاغی روبه‌رو شد: «نظر به کسر بودجه وزارت دادگستری و به استناد ماده اول قانون متمم سازمان دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۳۵ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین، شعبه ۱۳ دادگاه استان مرکز از این تاریخ از سازمان قضایی دادگاه‌های استان مرکز حذف و کم می‌شود.» یعنی برای حذف و برخورد با آقای دکتر کاتوزیان که دیگر برای دادگستری با نظریات جدید خود «مساله» شده بود صورت مساله را پاک کردند و خطاب به ایشان نوشتند: «رونوشت: آقای دکتر ناصر کاتوزیان مستشار دادگاه استان مرکز ابلاغ و اشعار می‌شود که: چون طبق اشعار رییس کل دادگاه‌های استان مرکز در شعبه ۱۳ دادگاه مزبور انجام وظیفه می‌نمایند و شعبه ۱۳ هم از سازمان قضایی دادگاه‌های استان مرکز حذف و کم شده است، بنابراین شما برطبق تبصره یک بند الف ماده اول متمم سازمان دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۳۵ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین، تا انتصاب به شغل جدید از حقوق انتظار خدمت استفاده خواهید نمود. وزیر دادگستری دکتر خوشین». چه اشتباه بزرگی! دکتر ناصر کاتوزیان منتظر خدمت نشد، بلکه دادگستری محروم یا بهتر بگویم «منتظرخدمت» دکتر کاتوزیان شد. بعد از مدتی دکتر کاتوزیان را به معاونت اداره حقوقی انتخاب کردند با همان ابلاغ مستشاری درحالی‌که پایه قضایی ایشان از رتبه هفت به رتبه هشت افزایش یافته بود. معلوم بود که دیگر نمی‌توان دکتر ناصر کاتوزیان را نادیده گرفت اما تحمل او هم مشکل بود. در تاریخ ۱۳۴۲/۳/۸ ابلاغ جدیدی برای معاون اداره حقوقی دادگستری به این مضمون صادر شد: «آقای دکتر امیرناصر کاتوزیان معاون اداره حقوقی با حقوق پایه و حق مقام فعلی و عجالتا ماهی ۱۶۶۵ ریال فوق‌العاده انتقال خارج از مرکز، به دادیاری دادسرای استان مازندران معین می‌شوند، به موجب این ابلاغ به محل ماموریت عزیمت نموده انجام وظیفه نمایند. وزیر دادگستری- دکتر محمدباهری.» مستشار دادگاه استان، معاون اداره حقوقی وزارت دادگستری در کمال ناباوری به سمت «دادیاری دادسرای استان مازندران» منصوب می‌شود. با این حال ایذا و اذیت‌هایی که دیری نمی‌پایند، کنار گذاشته می‌شود و در زمان وزارت باقر عاملی بر دادگستری، خطاب به کارگزینی این حکم صادر شد که من از آن به‌عنوان «حکمی مقدس» یاد می‌کنم: «دانشگاه تهران: عطف به نامه شماره ۵۸۲۵۶ مورخ ۴۲/۱۲/۲۴ به‌طوری که تقاضا فرموده‌اند با ماموریت آقای دکتر ناصر کاتوزیان دادیار دادسرای استان مازندران در دانشگاه تهران موافقت حاصل است و حقوق ایشان کماکان از بودجه وزارت دادگستری تادیه خواهد شد. وزیر دادگستری- باقر عاملی». در رونوشت حکم، خطاب به دکتر کاتوزیان چنین آمده است: «رونوشت به آقای دکتر ناصر کاتوزیان. دادیار دادسرای استان مازندران ابلاغ و اشعار می‌دارد که این ماموریت فقط برای سه‌ماه خواهد بود و در این مدت فوق‌العاده روزانه به شما تادیه نخواهد شد. وزیر دادگستری- باقر عاملی.» کسی که به بهانه کسری بودجه شعبه او را تحمل نکرده بودند، این‌بار نیز زمانی با حضور او در دانشگاه موافقت کردند که «فوق‌العاده روزانه» او را نپردازند، اما سنگر جدید، او را با روی باز پذیرفت و استاد دکتر پاد از طرف رییس دانشگاه ابلاغ استادیاری دکتر ناصر کاتوزیان را صادر کرد. از استادیار دانشکده حقوق تا رسیدن به مرحله استادی در سال ۱۳۵۱ (سال ورود من به دانشگاه) دکتر کاتوزیان نام و آوازه‌ای- به علت پشتکار خود - در ایران و فراسوی مرزها پیدا کرد و تعداد کتب چاپ‌شده‌اش فزونی گرفت. در کنار تدریس و تالیف به علت توجه دانشجویان و بار علمی استاد، اجبارا باید نام ایشان در میان مسوولان اداری دانشکده هم باشد، که در بهمن سال ۱۳۵۴ به مدیریت گروه حقوق خصوصی و اسلامی، انتخاب و در سال ۵۷ سرپرست موقت دانشکده حقوق شد، اما استاد خود مهم‌ترین «رویداد سیاسی و حقوقی» را که در آن شرکت داشته است، «تهیه پیش‌نویس قانون اساسی» می‌داند؛ پیش‌نویسی که هنوز حکومت شاهنشاهی سر کار بود و امام‌خمینی(ره) در پاریس که هیاتی مرکب از: دکتر حسن حبیبی، دکتر عبدالکریم لاهیجی، دکتر جعفری لنگرودی، دکتر ابوالحسن بنی‌صدر، دکتر ناصر میناچی به همراه استاد کاتوزیان پیش‌نویس قانون اساسی را در ۱۶۰ اصل تهیه کردند، هرچند این گروه بعدا به چهارنفر، یعنی آقایان دکتر حبیبی و دکتر لاهیجی و دکتر جعفری‌لنگرودی -که به‌گفته استاد در تمام جلسه‌ها حضور نمی‌یافت- و استاد دکتر کاتوزیان تقلیل یافت. با شروع انقلاب فرهنگی «هیات بازسازی نیروی انسانی» با اعضایی که مخفی بودند و دادرسی هم پنهانی و بی‌حضور متهم انجام می‌شد، دکتر امیرناصر کاتوزیان، قاضی سابق، استاد تمام‌وقت دانشگاه، مدیرگروه حقوق خصوصی، رییس موقت دانشکده حقوق دانشگاه تهران، نویسنده چندین جلد کتاب حقوقی و... به انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم شد! در طول ۱۰ سال هرروز بر سپیدی شفق با چاپ کتابی از استاد افزوده می‌شد اما استاد خود دنبال بازکردن گره نبود تا اینکه استاد دکتر آزمایش در محفلی که همکاران دانشگاهی برپا کرده بودند، استاد را در شرایطی خاص قرار داد که مجبور به امضای وکالتنامه سفیدی شدند تا از طریق دیوان عدالت اداری داد مظلوم‌ترین فردی که خود بیش‌ازهمه غم عدل‌وداد را می‌خورد، بستاند. سال ۱۳۷۰ را باید برای جامعه دانشگاهی عموما و رشته حقوق، خصوصا سالی پربار دانست زیرا دیوان عدالت اداری حکم هیات بازسازی نیروی انسانی را نقض و دانشگاه هم ابلاغ استادی دکتر کاتوزیان را صادر کردند. از سال ۱۳۲۸ که استاد اولین نشان علمی را به مناسبت احراز رتبه نخست در امتحانات نهایی رشته ادبی اخذ کرده‌اند تا سال ۱۳۸۴، ۲۲ لوح تقدیر در کارنامه ایشان است.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● طرح همسان‌سازی حقوق بازنشستگان که سال ۸۸ در مجلس تصویب شده و آقای ترابی هم در جریان هستند، چه وقت اجرا می‌شود. الان که هفته دولت است تدبیری به خرج دهند تا ما بازنشستگان ناامید نشویم.

بازنشسته تامین‌اجتماعی

● به نظرم اختصاص‌دادن یک صفحه تمام‌آگهی آن هم در صفحه سیاسی روزنامه کار مناسبی نیست. درست است که آگهی‌های روزنامه بخشی از هزینه‌های روزنامه را تامین می‌کند ولی خوب است به‌نظر خوانندگان خود هم احترام بگذارید. امیدوارم این پیام را در ستون «الوشرق» چاپ کنید.

● **ترجمه اشتباه در یک شاهکار سینمایی:** جمعه‌شب، فیلمی به نام شکست‌ناپذیر به کارگردانی ام. نایت شیامالان از شبکه نمایش پخش شد. بازیگران مطرحی مانند بروس ویلیس، ساموئل ال.جکسون، رابین رایت‌پن و... در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند.

موضوع فیلم، ارتباط یک مامور امنیتی ورزشگاه با یک هنرمند طراح کتاب‌های مصور (Comic book) بود. متاسفانه در ترجمه این فیلم، کتاب مصور را کتاب فکاهی ترجمه کردند و این اصطلاح که موضوع محوری فیلم بود، بارها تکرار شد و در نتیجه فیلم را از محتوا تهی کرد.

یک تماشاگر فیلم‌های سینمایی از تلویزیون

● پیش از این شهرداری، بلیت‌های سالانه مترو می‌فروخت که مسافران می‌توانستند در تمام طول سال از مترو استفاده کنند اما بعدها عرضه این بلیت‌ها را متوقف کردند که با اعتراض زیاد مسافران مترو همراه بود.

اکنون مترو می‌گوید هر کس بلیت سالانه مترو می‌خواهد به اینترنت برود و در سایت ثبت‌نام کند.

اگر از مراحل طولانی ثبت‌نام که از هفت‌خوان رستم چیزی کم ندارد، بگذریم، نوشته این بلیت ۱۲۰هزارتومان قیمت دارد که با هزینه پنج‌هزارتومانی، سرجمع می‌شود ۱۲۵هزارتومان. اما بیشتر از ۱۵۰هزارتومان نمی‌توان از آن استفاده کرد. می‌پرسم اگر سقف دارد، که دیگر سالانه نیست و اگر سالانه است که نباید سقف داشته باشد. در ضمن اگر من ۱۲۵هزارتومان را به بانک بدهم، بیشتر از ۲۵هزارتومان به من سود می‌دهد.